

مراحل شکل گیری ایمان از دیدگاه فولر و نقد آن

The Stages of Formation of Faith in Fuller's View and Criticizing it

محمود نوذری / دانشیار گروه علوم تربیتی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه،
مهدی غلامی / دانشجوی دکتری فلسفه علم دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران (نویسنده مسئول)،
mnowzari@rihu.ac.ir، mgh@rihu.ac.ir

Mahmoud Nowzari / Assistant Professor in Department of Educational Sciences, Research Center of Seminary and University

Mahdi Ghulami / PhD Student of Philosophy of Science, Islamic Azad University, Branch of Science and Research, Tehran

ABSTRACT

Among the theoreticians who have investigated the evolution of faith from psychological viewpoint, Fuller is known as a prominent and influential authority. The present article investigates three important issues from his view. Firstly, how does Fuller describe and analyze faith? Secondly, how does faith evolve in one's lifetime? Thirdly, what are the weak and strong points in his theory? The research method is descriptive-analytical and critical. The findings are as follows: faith is the human's general action and every human, as he is a human being, is involved in faith, dealing with acquiring it. He depicts the faith's evolution in the form of a pre-stage and six stages. His being influenced by Christian doctrines, focus on the structure, no attention to theme and content of faith and basing the stages of evolution on Piaget's view are among the most important drawbacks of his view.

چکیده

در میان نظریه پردازانی که به بررسی تحول ایمان از منظر روان شناختی پرداخته اند، فولر به عنوان صاحب نظری مهم، برجسته و تأثیرگذار شناخته شده است. این مقاله به بررسی سه مسئله مهم در این عرصه از دیدگاه او پرداخته است. اول اینکه، فولر ایمان را چگونه توصیف و تحلیل می کند؟ دوم اینکه، ایمان چگونه در طول عمر متحول می شود؟ سوم اینکه، نقاط قوت و ضعف نظریه وی کدام است؟ روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی و انتقادی است. یافته ها در پاسخ به این پرسش ها چنین است که ایمان کنش عام انسانی است و هر انسانی بماهو انسان با آن درگیر می شود و به کسب و اکتساب ایمان می پردازد. وی تحول ایمان را در قالب یک پیش مرحله و شش مرحله به تصویر می کشد. تأثیرپذیری وی از آموزه های مسیحی، تمرکز بر ساختار و عدم توجه به مضمون و محتوای ایمان و ابتدای مراحل تحول ایمان

KEY WORDS: Fuller, indistinctive faith, projective faith, narrative faith, common faith, individualized faith, emotional faith, worldwide faith.

بر دیدگاه پیاژه از مهم‌ترین اشکالات و نقدها بر دیدگاه وی در نظر گرفته می‌شود.

کلیدواژه‌ها: فولر، ایمان نامتمایز، ایمان فرافکنانه، ایمان داستان‌سرایانه، ایمان عرفی، ایمان فردی شده، ایمان عاطفی، ایمان جهان‌شمول.

۱. مقدمه

ایمان به خدا از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مقولات دینی و شالوده‌دینداری به‌شمار می‌رود و شناخت ماهیت و ابعاد مختلف ایمان و تلاش برای تحقق آن ضرورت می‌یابد. فیلسوفان، متکلمان، مفسران، محدثان و امروزه فلاسفه دین و الهیات و روان‌شناسان، هر کدام از نگاه خویش تلاش کرده‌اند تا ابعاد مختلف آن را واکاوی و توضیح دهند (طباطبائی، ۱۳۶۴، ج ۱؛ تیلیش^۱، ۱۳۷۵).

تحقیق در این قلمرو به روش تجربی و از منظر روان‌شناسی تحولی، سابقه‌ای تقریباً هفتاد ساله دارد. پژوهش‌ها و نظریه‌های متعددی در چارچوب مطالعاتی فوق و به‌منظور ارائه تفسیری از ایمان و بسط ایده فراپند رشد به مقوله رشد ایمان در طول دهه‌های گذشته پدید آمده است (ر.ک: کلرو و فیتزجرالد^۲، ۲۰۰۲؛ جنیا ۱۹۹۵؛ فولر، ۱۹۸۱؛ نوذری، ۱۳۸۹؛ حیدری، ۱۳۹۵). در این میان، نظریه فولر از برجستگی و اهمیت فراوانی برخوردار است. شاهد برجستگی و اهمیت این دیدگاه، انتشار چهار مجموعه نوشتاری در تأیید یا رد این نظریه است (فولر و ام. ال. دل^۳، ۲۰۰۶، ص ۴۲).

این مقاله ضمن بیان مفهوم ایمان از منظر فولر و معرفی نظریه او درباره مراحل رشد ایمان به ارزیابی دیدگاه او پیرامون مراحل رشد ایمان در افراد پرداخته و نقاط قوت و ضعف دیدگاه‌های او در مقایسه با دیدگاه‌های رقیب را نشان داده است. در این پژوهش، با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و انتقادی مراحل شکل‌گیری و سیر تطور ایمان فردی از دیدگاه فولر مورد بررسی و واکاوی قرار گرفته و در پایان، یافته‌ها در قالب ارزیابی دیدگاه او و بیان نقاط قوت و ضعف ارائه شده است.

۲. مفهوم‌شناسی ایمان

روش متداول در تبیین چیستی ایمان در حوزه مطالعات دینی، بررسی ریشه لغوی و گزاره‌هایی است که در متون مقدس در این باره آمده است. در این روش، گزاره‌های مرتبط با ایمان جمع‌آوری و از خلال تفسیر آنها، چیستی ایمان تبیین ارائه می‌شود. ظهور تبیین‌های مختلف نیز به محتوایی مربوط می‌شود که فرد با پایبندی به آن، مؤمن محسوب می‌شود.

فولر در تعریف خود از ایمان به محتوای ایمان به معنای اینکه فرد به کدام مجموعه گزاره‌ها معتقد باشد، یا کدام عواطف را از خود بروز دهد، یا کدام اعمال را انجام دهد تا در زمره گروه مؤمنان به دین خاصی درآید، توجهی ندارد. وی ماهیت ایمان را از طریق بررسی کنش انسان در مواجهه با پرسش‌های ایمانی و کسب و اکتساب ایمان و تأثیر ایمان بر معنادار کردن زندگی تعریف می‌کند. به عبارت دیگر، وی ایمان را از منظر هستی‌شناسانه آن مورد توجه قرار می‌دهد. پرسش‌های ایمانی عمدتاً ناظر به این معناست که در این دنیا مهم‌ترین امری که درخور این است که انسان عمر خود را صرف آن کند، کدام است. در دنیایی که نیروهای متعدد بر زندگی ارائه می‌کند و احتمالاً ترس و وحشت را در او برمی‌انگیزد، بر کدام نیرو می‌توان اتکا کرد و کدام نیرو در این دنیا می‌تواند از او حمایت کند، به او ارزش ببخشد و از او حفاظت کند (همان، ص ۳).

به نظری، علت نیاز عموم انسان‌ها به ایمان و پاسخ به پرسش‌های ایمانی، ناشی از نیاز انسان به ساختن معنای زندگی است. انسان‌ها یک تفاوت اساسی با حیوانات دارند، حیوانات از یک سیستم هدایت‌گری غریزی برای استمرار زندگی برخوردارند. در ارگانیزم آنها شیوه تهیه غذا، لانه‌سازی و تولیدمثل تعبیه شده است، اما انسان‌ها باید سختی و لذت پرسش از چیستی معنای زندگی و ساختن معنای زندگی را تحمل کنند. انسان‌ها زمانی که قدم به این جهان می‌گذارند و تصمیم می‌گیرند که به زندگی خود در این جهان ادامه دهند، خود باید دیدگاهی را درباره «چگونه بودن» و «چگونه زیستن در جهان» را بسازد. بنابراین، انسان‌ها قبل از اینکه تبدیل به فردی مذهبی یا غیرمذهبی شوند و یا حتی پیش از آنکه خود را یک مسلمان یا کاتولیک یا یهودی بنامند، با مسائل مرتبط با ایمان مواجه شده‌اند و به آن پرداخته‌اند (همان، ص ۴).

وی درباره چگونگی کسب ایمان، فرایندی مشتعل بر سه گام را مطرح می‌کند: گام نخست، شناخت ارزش یا کانون ارزشی است که به قدر کافی درخور انسجام‌بخشی و معنادهی به زندگی باشد و از آنچنان اهمیتی برخوردار است که شایسته است انسان زندگی خود را معطوف و مصروف آن سازد. گام دوم، ابراز تعهد، اعتماد و ابراز وفاداری به ارزشی است که به پندار فرد مهم تلقی می‌شود. ارزش‌هایی از دیدگاه انسان مهم تلقی می‌شوند که توان حمایت، حفاظت و ارزش‌بخشی و احترام گذاشتن به ما را داشته باشند، قابل اعتماد باشند و به ما عشق بورزند. گام سوم، جهت‌بخشی به آمل، افکار، اعمال و شکل دادن به هویت خود بر اساس ارزشی است که به آن عشق ورزیده می‌شود. در واقع، انسان بخشی از چیزی می‌شود که به آن ارزش می‌دهد و به آن عشق می‌ورزد.

در بین نظریه‌های رشد ایمان، نظریه فولر بیش از سایر نظریه‌ها مورد توجه قرار گرفته و در موافقت و مخالفت با آن بسیار سخن گفته شده است. چهار مجموعه نوشتار وجود داشته که در آنها شارحان و منتقدان در باب این موضوع قلم زده‌اند.^۱ نخستین مجموعه، در سال ۱۹۸۰ منتشر شد و مبتکر آن،

۱. برای معرفی مجموعه دقیق و جدیدی از مقالات نویسندگان بین‌المللی که از منظر رشد ایمانی و الهیات عملی، با رویکردی انتقادی به اثر این نویسنده می‌پردازند می‌توان به Osmer and Schweitzer, ۲۰۰۳ اشاره کرد.

کریستین بروسلمانز^۱، از مربیان دینی دانشگاه کاتولیک لوون^۲ در بلژیک بود. دومین مجموعه از چنین نوشتارهایی را کرایج دایکسترا^۳ - از اعضای وقت هیئت علمی آموزشگاه دینی الهیات پرینستون^۴ - و شارون دالوز پارکز^۵ - استاد وقت دانشکده الهیات هاروارد^۶ - ویراستاری کردند. سومین مجموعه از نوشتارهای پیش‌گفته که رویکردی انتقادی به نظریه رشد ایمانی داشت، با ویراستاری جف آستلی^۷ از مؤسسه آموزش مسیحی شمال انگلستان^۸ و لِسلی فرانسیس^۹ از کالج ترینیتی در کارمارتن در ولز^{۱۰} تدوین شد. چهارمین کتاب حاوی شروح انتقادی، در اصل توسط دانشوران اروپایی و برای آنها تهیه شد، هرچند که برای خوانندگان انگلیسی‌زبان نیز ترجمه گردید (فولر و دل، ۲۰۰۶، ص ۴۲-۴۳). علاوه براین، برخی از محققان تلاش کرده‌اند تا با نقد دیدگاه فولر، نظریه‌های جایگزین نظریه وی - که دارای نقطه ضعف‌های کمتری نسبت به نظریه فولر است - ارائه کنند.

۳. مراحل ایمان

فولر همانند پیاژه و کلبِرگ مراحل تحول ایمان را بر اساس تغییر در بُعد ساختاری آن توضیح می‌دهد و به چگونگی تغییر در بُعد محتوایی آن توجهی ندارد. از این رو، لازم است قبل از ورود به بحث مراحل، توضیحاتی درباره ماهیت «بُعد ساختاری ایمان» و چگونگی شکل‌گیری آن و نسبت آن با «بُعد محتوایی ایمان» ارائه شود تا خوانندگان انتظارات خود را از آنچه فولر درباره ویژگی‌های مراحل ایمانی بیان می‌کند، تعدیل نمایند.

بُعد ساختاری ایمان، توانایی‌هایی هستند که برحسب رشد سنی و کیفیت تعامل فرد و محیط و کنش متقابل و پیچیده عوامل شناختی، عاطفی، تجربه روانی - اجتماعی، نقش اعمال و نمادهای فرهنگی در نظام روانی فرد شکل می‌گیرد و به منزله تعیین‌کننده‌های زیربنایی شیوه فرد در کشف و فهم محتوای ایمانی درمی‌آید. در واقع، فرایندها و ساختارهای ایمانی در هر مرحله از این خصیصه برخوردارند که در همه اشکال ایمانی خواه دینی و خواه غیردینی، خواه مسیحی و خواه اسلامی به شکل واحدی ظاهر می‌شوند و به منزله علت برای تغییر کیفی در محتوای ایمان لحاظ می‌شود. براین اساس، وی تغییرات در ایمان را در چرخه زندگی (تولد تا پایان زندگی) بر اساس شکل‌گیری متوالی یک پیش‌مرحله و شش مرحله توضیح می‌دهد:

۱. Christiane Brusselmans

۲. Catholic University of Leuven

۳. Professor Craig Dykstra

۴. Princeton Theological Seminary

۵. Sharon Daloz Parks

۶. Harvard Divinity School

۷. Jeff Astley

۸. North of England Institute for Christian Education

۹. Leslie Francis

۱۰. Trinity College, Carmarthen, Wales

۱-۳. دورهٔ طفولیت (پیش‌مرحله): ایمان نامتمایز^۱ (تولد تا ۲ سالگی)

فولر با آگاهی از اینکه نمی‌تواند ویژگی‌های ایمانی مرحلهٔ طفولیت را همانند مراحل دیگر، بر حسب معیارهای تجربی و با تکیه بر مصاحبه با آزمودنی‌ها توصیف کند، تلاش کرده تا به شیوهٔ غیرتجربی، خصائص ایمانی این دوره را بررسی و توصیف کند. وی بر مبنای دیدگاه پیاژه و اریکسون و نیز دیدگاهش دربارهٔ مدل سه‌ضلعی شکل‌گیری ایمان (خود، دیگران و کانون‌های ارزش و حجیت) نشان می‌دهد چگونه پایه‌های نخستین ایمان در این دوره بنا می‌شود.

مرحلهٔ ایمان نامتمایز که در واقع پیش‌مرحله‌ای برای مراحل شش‌گانهٔ دیگر محسوب می‌شود، مقطعی از زندگی است که هسته‌های اعتماد، شهامت، امید و عشق در شکلی نامتمایز و درهم آمیخته ساخته می‌شود و تا زمان دستیابی به تفکر و زبان استمرار دارد. قدرت رو به تکوین ایمان در این مرحله اندوخته‌ای برای اعتماد آغازین و تجربه رابطهٔ متقابل با فرد یا افرادی است که نخستین بسترهای عشق و دلجویی و مراقبت را فراهم آورده‌اند. خطری که گذار موفقیت‌آمیز از این مرحله را تهدید می‌کند، ناکام ماندن رابطهٔ متقابل از هر یک از طرفین است.

ناکامی در ایجاد رابطهٔ متقابل و دوسویه، یکی از دو پیامد نامطلوب ذیل را دربر دارد: یا منجر به بروز خودشیفتگی بیش از حد می‌شود که در این صورت، حس در محور قرار داشتن فرد غلبه می‌یابد؛ یا منجر به حس بی‌ثباتی در شخصیت کودک می‌شود که در این صورت، کودک در کشاکش تجربه تلخ رابطهٔ ناموفق خود باقی می‌ماند. کیفیت رابطهٔ متقابل و میزان تأثیر اعتماد، استقلال، امید و شهامت و یا نقطهٔ مقابل آنها که در این مرحله بسط می‌یابند، مبنای شکل‌گیری هر آنچه که بعدها در رشد ایمان به وقوع می‌پیوندد، می‌باشد (و گاهی اوقات موجب متزلزل شدن آنها می‌شود). گذار از مرحلهٔ اول به مرحلهٔ بعد، زمانی رخ می‌دهد که همگرایی فکر (اندیشه) و زبان آغاز می‌شود و کودک این توانایی را پیدا می‌کند که شناخت خود را از جهان در قالب واحدهای معنایی ارائه کند (فولر، ۱۹۸۱، ص ۱۱۹-۱۲۱).

۲-۳. مرحلهٔ اول: ایمان شهودی - فرافکنانه^۲ (۲ تا ۶ و ۷ سالگی)

دورهٔ طفولیت، مقطعی از زندگی است که طفل به علت ضعف در ساختارهای شناختی و ارزشگذاری نمی‌تواند الگویی از نظم معنایی و ارزشی را دربارهٔ زندگی ایجاد کند. بنابراین، تنها پیش‌مرحله‌ای برای مراحل بعد محسوب می‌شود. با گذار از دورهٔ طفولیت و مجهز شدن کودک به ابزارهای تازه‌شناختی و ارزشگذارانه این ظرفیت در کودک ظاهر می‌شود که اولین نظم معنایی و ارزشی را دربارهٔ زندگی به تصویر می‌کشد و اولین الگوی ایمانی را شکل می‌دهد. فولر، اولین الگوی ایمانی را «ایمان شهودی - فرافکنانه» نام نهاد؛ توصیف این مرحله به شهودی - فرافکنانه از این جهت است

۱. Infancy and undifferentiated faith

۲. Intuitive - projective faith

که شناخت کودک از طریق الگوی تفکر شهودی (به اصطلاح پیاژه‌ای) صورت می‌گیرد و جهان از طریق فرافکنی شهودی معنا که تقلیدی از اعمال و ارزش‌های مشهود والدین و سایر اطرافیان است و به شدت تحت تأثیر خیال است، به تصویر کشیده می‌شود. شیوه فرافکنی معنا در اینجا در مقابل شیوه روایت معنا در قالب داستان قرار می‌گیرد.

مرحله اول از مراتب ایمانی لبریز از تخیل است، برایندی است مبتنی بر تقلید که کودک در آن دائماً تحت تأثیر بسیار زیاد نمونه‌ها، حالت‌ها، کنش‌ها و داستان‌های مرتبط با ابعاد آشکار ایمان بزرگترهای محیط پیرامونی خود است. مرحله ایمان شهودی - فرافکنانه بیشتر به کودکان سه تا هفت سال اختصاص دارد، که ویژگی متمایز آن، بی‌ثباتی نسبی الگوهای اندیشه و تفکر است. کودک، مدام در معرض نوآوری‌هایی است که هیچ کنش باثبات در شناخت و کسب آگاهی شکل نمی‌گیرد.

فرایندهای مرتبط با تخیل و پندار که وجه مشخص آنها تصور و خیال است را نمی‌توان با تفکر عقلانی و منطقی محصور ساخت و یا مانعی در مقابل آنها ایجاد کرد. هم‌سطح با اشکال مختلف شناخت که وجه غالب آن ادراک (در مفهوم روان‌شناختی) است، در این مرحله تخیل بیشتر مولد تصاویر ذهنی و احساسات بادوام بسیار است (خواه تصاویر ذهنی و احساسات مثبت و خواه تصاویر ذهنی و احساسات منفی) که بعدها با توانایی در ارزش‌گذاری و اندیشیدن، بدان‌ها نظم و سیاق می‌بخشد. مرحله ایمان شهودی - فرافکنانه را می‌باید مرحله ظهور اولی خودآگاهی انسان دانست. کودک «خودآگاه» محوریت خود و دیدگاهش را در مقابل دیدگاه‌های دیگران حفظ می‌کند.

در همین مقطع است که او نسبت به مرگ و جنسیت و تمامی محرمت‌ها که فرهنگ‌ها و خانواده‌ها به او ارائه کرده‌اند، به خودآگاهی دست می‌یابد. موهبت و یا به نوعی وجه غالب این مرحله همانا زایش نیروی تخیل است؛ تخیل توانایی ایجاد وحدت‌بخشی به درک و فهم جهان تجربه‌های عینی، در قالب تصاویر ذهنی تأثیرگذار فراهم می‌کند. مخاطرات موجود در این مرحله را بیشتر می‌باید در احتمال تسخیر تخیل کودک به واسطه تصاویر ذهنی بی‌حد و حصر از ترس و تخریب جست‌وجو کرد و یا در سوءاستفاده آگاهانه یا غیرعمد از تخیلات او در نهادینه ساختن محرمت‌ها و انتظارات اخلاقی و اعتقادی یابد.

مهم‌ترین عاملی که موجب گذار به مرحله دیگر می‌شود، ظهور تفکر عملیات عینی است. از دیگر عوامل اثرگذار در گام نهادن به مرحله دیگر، خارج شدن از مسائل مرتبط با عقده ادیپ و یا سرکوب آنها در نطفه است. گذار به مرحله دوم با لذات دغدغه‌رو به رشد کودک در دانستن چگونگی امور است تا آنکه بتواند به مرز میان واقعیت از غیرواقعیت دست یابد (شالوده‌های لازم در تمییز میان واقعیت محض از واقعیت به ظاهر را ترسیم نماید) (همان، ص ۱۲۲-۱۳۳).

۳-۳. مرحله دوم: ایمان لفظی - داستان سرایانه^۱ (۶ و ۷ تا ۱۱ و ۱۲ سالگی)

در مرحله پیشین، به واسطه استقرار «الگوی شهودی درک معنا»، کودک داستان تجارب عملی زندگی خود را به صورت نامنظم و تکه تکه گزارش می‌کند و نمی‌توانست معانی و ارزش‌ها را از دل داستان‌ها به دست آورد، اما در این مرحله کودک به برکت دستیابی به ساختارهای شناختی و ارزش‌گذارانه جدید قادر می‌شود تا داستان تجارب عملی زندگی خود را در قالب داستانی مشتمل بر جزئیات و به طور منظم حفظ کند و معنای زندگی را از دل آن داستان‌ها به دست آورد. این توانایی جدید در کسب معنای زندگی در عین حال، از یک محدودیت رنج می‌برد و آن اینکه معانی ساخته شده سطحی، خام و محصور در کلمات است. ویژگی مذکور در ساخت معنای زندگی سبب شده است تا فولر این مرحله را مرحله «لفظی - داستانی» بنامد. واژه لفظی به درک سطحی و تحت‌اللفظی و خام معانی و واژه داستانی به شیوه روایت کردن معانی و نظم بخشی به آنها اشاره دارد.

فولر در توضیح مشخصه‌های این مرحله، ابتدا به توانایی ذهن یک کودک ده ساله اشاره می‌کند و بر اساس آن، تکوین معنا، ارزش و باورها را و در نتیجه، شیوه نظم بخشی به معنای زندگی را در مرحله ایمانی دوم بیان می‌کند.

ایمان لفظی - داستان سرایانه، مرحله‌ای است که در آن فرد روایات و باورهایی را اختیار نموده است که تعلق او به اجتماع محل زیستن را به صورت نمادین نشان می‌دهد. باورهای او متناسب با تفاسیر سطحی و تحت‌اللفظی بوده و بیشتر قوانین و نگرش‌های اخلاقی می‌باشند. در این مرحله، بروز عملیات عینی به کنترل و مرتب نمودن تصاویر ذهنی مرحله پیشین از جهان هستی می‌شود. در مرحله پیشین، تصاویر ذهنی از تجارب عملی زندگی گذرا و تکه تکه بود، ولی در این مرحله به ساختاری منظم و طولی برای بیان تجارب عملی دست می‌یابد.

روایت‌ها (داستان‌پردازی) مهم‌ترین روش در یکپارچه ساختن و ارزش بخشیدن به تجارب عینی زندگی می‌باشند (هرچند گاهی اوقات ساختارهایی را در این مرحله می‌بینیم که ویژگی غالب دوره نوجوانی و بزرگسالی است). دستیابی به تمایز دیدگاه خود و دیگران از ویژگی‌های بارز این مرحله می‌باشد. افراد در مرحله دوم، جهانی را به تصویر می‌کشند که مبتنی بر رعایت انصاف در قبال دیگران و عدالت به ذات بر اساس عمل متقابل می‌باشد.

ظرفیت و یا نقطه قوت جدید موجود در این مرحله، همانا بروز توانایی روایتگری و ظهور داستان است که به تجارب عینی زندگی انسجام می‌بخشد. محدودیت‌های ناشی از سطحی بودن و اتکالی بیش از حد بر عمل متقابل به عنوان اصلی برای بنانهادن محیط غایی منجر به تکامل‌گرایی مصنوعی و محدود و یا عمل بالحقیقه صادقانه شده و یا آنکه بعکس به حس بد بودن که به خاطر عمل نادرست، غفلت و یا عدم حمایت آشکار دیگران تأثیرگذار در زندگی، حاصل شده است، می‌انجامد.

عاملی که شروع گذار به مرحله سوم را نوید می‌دهد، تناقض و ناسازگاری‌های موجود در ضمن داستان هاست که منجر به تأمل پیرامون معانی می‌شود. قدم گذاردن به تفکر عملی انتزاعی، چنین تأمل و اندیشه را ممکن و ضروری می‌سازد و موجب گذار از مرحله لفظ‌گرایی و سطحی بودن پیشین می‌شود (همان، ص ۱۳۵-۱۵۰).

۳-۴. مرحله سوم: ایمان تلفیقی - عرفی^۱ (۱۱ و ۱۲ تا ۱۷ و ۱۸ سالگی)

مرحله سوم از مراحل ایمان که با عنوان «ایمان تلفیقی - عرفی» نام نهاده شد، دامنه تجربه فرد از جهان پیرامون به محیطی فراتر از خانواده بسط یافته است. برخی از این فضاها قابل توجه می‌باشند: خانواده، مدرسه، محیط کار، گروه همسالان، جامعه به معنای عام و رسانه‌ها و شاید مذهب. ایمان در میان سایر مجموعه متنوع و پیچیده تعلقات و دغدغه‌ها، منسجم‌ترین جهت‌گیری و گرایش را در این مرحله ایجاد می‌نماید. ایمان، ارزش‌ها و اطلاعات (دانایی) را تلفیق ساخته و مبنایی برای هویت و نگرش انسان فراهم می‌سازد.

به‌طور معمول، فراز و نشیب مرحله سوم در دوران نوجوانی است، اما بسیاری از بزرگسالان از این مرحله فراتر نمی‌روند و این مرحله نقطه دائمی تعادل و لایتغیر ایمان آنهاست. در مرحله سوم، ساختار محیط‌گایی در قالب روابط بین فردی بنا می‌شود. تصاویر ذهنی فرد از ارزش و قدرت از گستره خصیصه‌هایی سر برآورده‌اند که به محک تجربه در روابط شخصی حاصل شده‌اند. مرحله سوم را مرحله انطباق و سازگاری نیز می‌توان نامید، به این معنا که دقیقاً با انتظارات و قضاوت‌های دیگران مهم در زندگی انطباق یافته و هنوز فرد درک کافی و قابل اطمینانی از هویت خود و قضاوت متعلق به خود ندارد تا بتواند دیدگاهی مستقل داشته و بر آن استوار بماند.

درحالی‌که باورها و ارزش‌ها عمیقاً درک می‌شوند، اما علی‌القاعده به صورت تلویحی و ناآزموده ثبت و ضبط شده‌اند، فرد با آنها و جهان معنایی که به واسطه آنها ایجاد می‌شود، ادامه حیات می‌دهد. اما فرصتی برای گام گذاشتن به بیرون از این جهان و تأمل پیرامون آنها و بررسی و به محک تجربه گذاردن آنها به صورت آشکار و نظام‌مند نداشته است. در این مرحله، فرد صاحب یک ایدئولوژی است که کم‌وبیش مجموعه با ثباتی از ارزش‌ها و باورها را در خود دارد، اما او آن را به محک تجربه و آزمون نگذاشته و در یک مفهوم از داشتن آن بی‌اطلاع است.

خاستگاه ارزش و حجیت در مراجع حجیت‌دار سنتی یا آنکه در اجماع با گروه دارای ارزش برای فرد که او در آن عضو می‌باشد، نهفته است. ظرفیت نوظهور این مرحله همانا شکل گرفتن روایت زندگی فردی است - روایتی که در آن تشرف فرد به هویت و ایمان شرح داده می‌شود و در گذشته و آینده محتمل او در قالب یک تصویر ذهنی از محیط‌گایی که با خصیصه‌های شخصیت درهم آمیخته،

۱. Synthetic-conventional faith

نقشی ایفا می‌نماید. مخاطرات و نارسایی‌های موجود در این مرحله بسیار می‌باشند. ممکن است انتظارات و ارزیابی‌های دیگران به حدی در فرد درونی شده‌اند (نهادینه شدن) که استقلال آینده او را در قضاوت و کنش به خطر اندازد و یا آنکه بی‌وفایی‌ها و دل‌شکستگی‌ها در روابط بین فردی منجر به ظهور یأس و نومی‌دی پوچ‌انگارانه نسبت به اصل ارزش شخصی شده و یا به ارتباط نزدیک با خدا با هدف جبران روابط ناکام گذشته که فراتر از روابط زمینی و دنیوی می‌باشد، بینجامد. در این دوره است که شاهد پیدایش پدیدهٔ اتخاذ دیدگاه متقابل بین‌شخصی هستیم

عوامل مؤثر بر افول مرحلهٔ سوم و ایجاد آمادگی برای گذار به مرحلهٔ بعد به احتمال فراوان از قرار ذیل می‌باشند:

- تنش‌های جدی و تناقضات میان منابع ارزشمند حجیت؛ تغییرات بارز در رهبران مورد تأیید و موثق؛
- کنش‌هایی که پیش از این مقدس بوده و شکستن حریم آن ممنوع بود؛
- مواجهه با تجارب و دیدگاه‌هایی که منجر به تأمل و مذاقه بسیار دقیق (انتقادی) دربارهٔ چگونگی شکل‌گیری و تحول باورها و ارزش‌ها، و اینکه نسبت آنها با گروه و پیش‌زمینه‌ای مشخص چگونه بوده است؛
- تجربه ترک مکرر خانه خواه به دلایل عاطفی و یا فیزیکی (فولر، ۱۹۸۱، ص ۱۵۱-۱۷۰).

۳-۵. مرحلهٔ چهارم: ایمان فردی شده - فکورانه (۲۰ سالگی به بعد)

ایمان فردی شده - تأملی پیش از سن هفده تا هجده سالگی آغاز نمی‌شود، چنین ایمانی برای برخی افراد در اوائل بزرگسالی (۲۰ سالگی به بعد) و برای بسیاری از مردم در اواسط دههٔ سوم و چهارم عمر پدیدار می‌شود و بسیاری از بزرگسالان هرگز به این مرحله نمی‌رسند. ظهور و بروز ظرفیت برای تأمل موشکافانه در نظام معنایی و ارزشی شکل گرفته در مرحلهٔ سوم و در نتیجه، حل تعارض‌ها و تناقضات موجود در آن و دستیابی به معنایی شخصی‌تر (متعلق به خود) درباره معنا و هدف زندگی، موجب شده است تا فولر عنوان «ایمان فردی شده - تأملی» را برای مرحلهٔ چهارم انتخاب کند.

گذار از مرحلهٔ سوم به مرحلهٔ چهارم ایمان، از این جهت حساس است که در این تحول فرد جوان و یا بزرگسال باید در قبال تعهدات، سبک زندگی، باورها و نگرش‌های خود، مسئولیت قبول کند. آنجا که گذار واقعی به مرحلهٔ چهارم در شُرُف وقوع است، فرد با تنش‌های معین و اجتناب‌ناپذیری به اجبار مواجه می‌شود: «فردیت» او در نقطهٔ مقابل «عضویت در گروه» و یا «پذیرش از سوی گروه»، «متکی بودن بر ذهنیت فردی» در برابر «عینیت»، «خودشکوفایی و حصول مطلوب فردی» در برابر «در خدمت دیگران بودن و وجود داشتن به خاطر دیگران»، «متعهد بودن به امر نسبی» در برابر «مجادله امکان وجود امر مطلق».

زمان متناسب برای شکل‌گیری مرحله چهارم، آغاز دوران بزرگسالی است (به خاطر داشته باشیم که در بسیاری از بزرگسالان مرحله چهارم بروز نکرده و در عده خاصی نیز تنها در میانه دهه چهارم و پنجم به وقوع می‌پیوندد). «من» فرد که پیش از این در تلفیق ایمان و هویت او به واسطه دیگران مهم حفظ شده بود، اینک مدعی هویتی است که از ترکیب نقش‌ها و معانی متعلق به دیگران متمایز شده و مفهوم متعلق به خود را می‌یابد. برای حفظ هویت جدید، چارچوب معنایی جدیدی را با آگاهی از حدود و روابط درونی خود می‌آفریند که به‌عنوان جهان بینی او محسوب می‌شود. خود (هویت) و نگرش (جهان بینی) از هویت و جهان بینی دیگران متمایز شده و تبدیل به عناصر قابل تصدیق در واکنش‌ها، تفاسیر و قضاوت‌ها شده که فرد بر مبنای کنش‌های خود و دیگران بروز می‌دهد. ارائه سیستم آشکار معانی نشان از انسجام یافتن خود در محیط غایی می‌باشد.

در مرحله چهارم، به‌طور معمول نمادها به معانی مجرد برگردانده می‌شوند. این مرحله را تفکیک معنا و نماد می‌نامند. به احتمال زیاد، این عمل با هدف مشارکت حداقل در عناصر ناخودآگاه می‌باشد که در قضاوت‌ها و رفتار فرد تأثیر می‌گذارند. نقطه قوت غالب در مرحله چهارم، همانا ظرفیت این مرحله در تأمل موشکافانه در هویت (خود) و نگرش (جهان بینی) می‌باشد. مخاطرت آن نیز در همین نقطه قوت نهفته است، اعتماد بیش از حد به ذهن خودآگاه و تفکر پرسش‌گرانه و به نوعی خودشیفتگی سبب می‌شود که واقعیت و دیدگاه‌های دیگران را در جهان بینی خود بسیار به یکدیگر نزدیک ساخته و به نفع خود مصادره کند.

سرخوردگی ناشی از پذیرش و بازشناسی این موضوع که زندگی پیچیده‌تر از آن است که ظرفیت منطقی مرحله چهارم در ایجاد تفکیک و تمایز آشکار و ارائه مفاهیم انتزاعی بتواند به درک آن نائل شود، فرد را به سمت اتخاذ نگرشی منطقی و عمیق با سطوح مختلف (یعنی مرحله پنجم ایمان) سوق می‌دهد (همان، ص ۱۷۴-۱۸۳).

۳-۶. مرحله پنجم: ایمان عطفی^۱ (بر اساس فرض میانه بزرگسالی یا پس از آن)

فولر توضیح خصیصه‌های ساختاری مرحله پنجم را با این جمله شروع می‌کند که وی نتوانسته است روشی آسان برای توصیف مرحله پنجم یافته و یا آنکه ابداع کند. این مسئله موجب ناامیدی وی شده است و احساس می‌کرده که اگر نتواند به وضوح ویژگی‌های این مرحله از ایمان را به خواننده منتقل نماید، این طرز تلقی پیش می‌آید که آن را درست فهم نکرده و یا بدتر آنکه مرحله پنجم اصلاً مابه‌ازای ندارد. وی هیچ‌یک از دو تبیین فوق‌الذکر را نمی‌پذیرد و می‌گوید: حقیقت این است که مرحله پنجم به‌عنوان شیوه‌ای در شناخت ایمان وجود داشته و فرایندی پیچیده دارد. به علاوه، آنگاه که در حیات افراد به صورت یک تجربه بروز کرده و در آثار برجای مانده از آنها و یا در خصوص آنها وجه عینی می‌یابد.

۱. Conjunctive faith

منطق کشف حقیقت معنا و هدف زندگی در مرحله پنجم فراتر از منطق دو شقی مرحله چهارم (این یا آن) است. فرد در مرحله پنجم از مراحل ایمانی هر دو بُعد و یا جوانب بسیاری از یک مسئله را به صورت همزمان مدنظر قرار می‌دهد. در مرحله پنجم، فرد می‌پذیرد که می‌توان از کانال دیدگاه‌های متنوع به تمام حقیقت نائل شد و ایمان باید تنش‌های بین آن دیدگاه‌های متنوع را حفظ کرده و متوازن سازد. این مرحله در سایه پارادوکس‌ها، فهم‌پذیر می‌شود. در مرحله پنجم، افراد نسبت به حقایق سایر سنت‌های دینی و فرهنگی گرایش اخلاقی داشته و نسبت به آنها پذیرش دارند، و نیز معتقدند: گفت‌وگو با آنها ممکن است به درک‌هایی ژرف و بینش‌هایی جدید نسبت به باورها و سنت‌های خودشان منجر شود. از دیگر پارادوکس‌های مرتبط با این مرحله می‌توان به واقعیاتی اشاره کرد مبنی بر اینکه انسان هم مسن است و هم جوان، هم ویژگی‌های زنانه دارد و هم مردانه، هم خودآگاه و هم ناخودآگاه، و هم به صورت عامدانه محافظه‌کار و هم خیرخواه در عین اینکه در برخی از ابعاد زندگی و عضویت در جامعه به صورت اتفاقی مخرب است. انسان، هم بی‌نظیر است هم شخصیت‌یافته، و در عین حال این آگاهی را دارد که نسبت به دوستان و نسبت به غریبه‌ها، هم وابستگی دارد و هم با آنها در حالت همبستگی توأم با وابستگی متقابل به سر می‌برد. در نتیجه، عبارت خواهد بود از اشتیاق به شیوه‌های جدید ارتباط با خدا، دیگران، و خویشتن.

در مرحله پنجم، منطق «شناخت مبتنی بر دیالوگ»^۱ جایگزین منطق دو شقی مرحله چهارم (منطق این یا آن) می‌شود. در این‌گونه از شناخت، شناسه^۲ ترغیب می‌شود تا با کلمات ساخته و پرداخته ذهن خود و به زبان خود سخن بگوید. در شناخت مبتنی بر دیالوگ، ساختار چندگانه (مرکب) جهان پیرامون، به نمایاندن لایه‌های درونی خود فراخوانده می‌شود. در گفت و شنود دوسویه، شناسا و شناسه ارتباطی رودررو از جنس (من - تو) را تجربه می‌کنند و با یکدیگر تعامل برقرار می‌کنند. شناسا به دنبال آن است تا شناخت خود را بر ساختار آنچه در شرف شناخته شدن (حصول معرفت) است، منطبق سازد پیش از آنکه شناسه مقولات خود را بر ساختار حاصل شده حمل کند.

شناخت، مبتنی بر گفت‌وگوی دوسویه (دیالوگ) در مرحله پنجم به «عاملی شناسا» که مستعد برقراری دیالوگ (گفت‌وگو) می‌باشد، نیازمند است. به لحاظ معرفت‌شناختی، «شناسا» باید به آن درجه از قطعیت رسیده باشد که بتواند ابتکار عمل را در مقابل «شناسه» به دست گیرد. آنچه عرفا بر آن نام «تجرد»^۳ - دل‌کندن از علقه‌ها و وابستگی‌ها - می‌نهند نمایانگر میل و اشتیاقی است که در مرحله پنجم وجود دارد تا واقعیت اجازه یابد بدون توجه به تأثیری که واقعیت نمایانده شده بر طیب خاطر و اعتماد به نفس شناسا دارد از زبان خود سخن بگوید. نویسندگان اینجانب از قربات میان‌شناختی سخن می‌گویند که به حکمت تعالی یافته در امور آن‌گونه که وجود دارند با دیده احترام

۱. dialogical knowing

۲. known

۳. detachment

نگریسته و در آن مشارکت جسته پیش از آنکه بخواهند آن را به منظور انطباق با مقولات نخستین تحت اختیار درآورده، کنترل نموده و یا نظم و نسق بخشند.

در کل باید گفت: ایمان در مرحله پنجم دربردارنده حرکتی است به فراسوی سیستم آشکار و ایدئولوژیک مرحله چهارم و مرزهای مشخص هویتی که آن مرحله سعی در بنا نهادن و اتکای به آنها را داشت. اگر مرحله سوم، مرحله ایمان وابسته به دیگران مهم و مرحله چهارم ایمان خوداتکایی بود، در این صورت مرحله پنجم مرحله ایمان با اتکای متقابل است.

مرحله پنجم، این اصل بدیهی را پذیرفته است که حقیقت ابعادی به مراتب بیشتر از آنچه اغلب نظریه‌ها و یا ملاحظات در باب حقیقت دریافته‌اند، دارد. با نگاهی از منظر مذهبی به موضوع می‌توان دریافت که در مرحله پنجم آگاهی نسبت به این مسئله وجود دارد که نمادها، داستان‌ها (روایت‌ها)، آموزه‌ها و مناسک، ارائه شده توسط آن آیین یا سنت مذهبی دیگر، ناگزیر نسبی بوده و به تجربه افراد خاصی در ارتباط با خدا منحصر شده است و کامل نمی‌باشد. مرحله پنجم، همچنین ناظر بر این موضوع است که مراد از نسبیت سنت‌های مذهبی - که موضوع بحث می‌باشد - نسبیت در قبال یکدیگر نیست، بلکه در ارتباط با واقعیتی است که آنها واسطه درک و حصول آن می‌شوند. بنابراین، ایمان در مرحله پنجم بالذات مستعد مواجهه با دیگر سنت‌ها و آیین‌ها - غیر از سنت و آیین خود - بوده و این احتمال را مفروض داشته است که حقیقت خود را نمایانده و یا خود را در دیگر آیین‌ها و سنت‌ها به شکلی می‌نمایاند که به اصلاح و یا تکمیل سنت متعلق به خود کمک می‌کند. کریستر استاندال^۱ می‌گوید: گفت‌وگوی میان ادیان در واقع نمی‌تواند وحدت بخش باشد، مگر آنکه شرایط مشارکت متقابل و روابط دوسویه به گونه‌ای باشد که هر یک از طرفین خود را آماده گرایش یافتن به حقیقت سنت دیگری سازد. چنین ویژگی را خصیصه وحدت‌گرایی مرحله پنجم می‌نامند (به نقل از فولر، ۱۹۸۲، ۱۸۶).

اتخاذ این موضع به معنای عدم وجود تعهد به حقیقت موجود در سنت خود نیست. البته مراد بی‌طرفی یا علاقه صرف به ویژگی‌های غیرمتعارف فرهنگ‌های بیگانه هم نمی‌باشد. در عوض، گشودگی بسیار زیاد مرحله پنجم در مقابل حقیقت نمایانده شده در دیگر سنت‌ها دقیقاً در اعتماد به واقعیت حاصل شده توسط سنت خود و آگاهی نسبت به این موضوع که آن واقعیت فراتر از واسطه حصول خود قرار می‌گیرد، ریشه دارد. فرد در مرحله پنجم دریافت و تجربه خود از حقیقت را اصل قرار داده و دیگر مدعاها درباره حقیقت را بر آن اساس آزموده و ارزیابی می‌کند، اما او این‌گونه می‌پندارد که هر دیدگاه صادقی بر غنای ابعاد دیدگاه دیگر افزوده و آن را بهبود می‌بخشد و این موضوع در حرکتی متقابل به سوی واقعیت و حقیقت بروز می‌یابد. همین ویژگی مرحله پنجم موجب شده است تا فولر این مرحله را «ایمان عطفی» بنامد، چرا که منطق شناخت مبتنی بر دیالوگ فرد را قادر می‌سازد

تا دریافت و تجربه دیگران از حقیقت را به دریافت و تجربه خود از حقیقت عطف و ضمیمه کند و به دریافتی با غنای بیشتر از حقیقت دست یابد (همان، ص ۱۸۴-۱۹۸).

۳-۷. مرحله ششم: ایمان جهان شمول

فولر بیان می‌کند که نظریه رشدی - ساختاری ایمان اثری توصیفی - تجربی و تجویزی می‌باشد. بخش توصیفی - تجربی نظریه دربرگیرنده مراحل اول تا پنجم می‌باشد و بیشتر بر محور ارزیابی این موضوع متمرکز بود که آیا توالی قابل پیش‌بینی برای مراحل انتزاعی و توصیف‌پذیر ایمان در زندگی وجود دارد؟ بخش تجویزی نظریه دربرگیرنده مرحله ششم و ارائه‌کننده تصویری ذهنی و پیچیده از ایمان رشد یافته و کامل است که فولر از آغاز در نظر داشته و مراحل قبلی به منزله گام‌های متوالی رسیدن به آن لحاظ شده است (فولر، ۱۹۸۱، ص ۱۹۹-۲۱۰).

گذار به مرحله ششم مستلزم فائق آمدن بر این تناقض‌ها از طریق به فعلیت رساندن ادراکات جهان‌شمول مبتنی بر زهد و اخلاق می‌باشد. به همین علت (دفع تنش به سود گزاره‌های جهان‌شمول و باور به آنها و تمسک به آنها در زندگی عملی) عنوان «ایمان جهان‌شمول» برای این مرحله انتخاب شده است. بروز مرحله ششم بسیار نادر است. افراد در این مرحله، ساختاری ایمانی پدید می‌آورند که در آن صرف نظر از ملیت، طبقه اجتماعی، جنسیت، سن، نژاد، مکتب سیاسی و سنت دینی، نسبت به آفرینش و وجود و تمامی افراد بشر به منزله یک کل واحد، دغدغه دارد. در میان همه آنها یک مفهوم و رأی مشترک وجود دارد و آن ایجاد محیطی آزاد و رها از قیدوبندهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک موجود است که بر حیات انسان سایه انداخته و آینده بشر را تهدید می‌کند. افراد در مرحله ششم به واسطه دیدگاه جهان‌شمول خود و وجود حس مشارکت در نیروی وحدت‌بخش و متحول‌کننده جهان در آنها، اغلب به عنوان دگرگون‌کننده ساختارهایی که ما به واسطه آنها بقا، امنیت و ارزش‌مداری فردی و جمعی مان را (همچنین ساختارهای مذهبی) حفظ می‌نماییم، شناخته می‌شوند. بسیاری از این افراد در مرحله ششم به دست کسانی جان می‌سپارند که امید به تغییر آنها داشته‌اند. چنین افرادی اغلب پس از مرگ بیش از دوران حیاتشان تکریم و مورد ستایش قرار می‌گیرند.

معدود افرادی که در این مرحله جای می‌گیرند از موهبتی خاص برخوردارند که آنها را متمایز از دیگران می‌کند، افرادی ساده و بی‌غُل و غش و به نحوی بیش از دیگران از کمال و مواهب انسانی برخوردار می‌باشند. اجتماع انسانی آنها گستره‌ای جهانی دارد. خصیصه‌های فردی آنها به آن خاطر که ایشان از اندیشه‌ای سیال و دارای وجهی جهانی برخوردارند، گرمی داشته می‌شود و به همین علت، به دور از هرگونه شائبه اقتدارگرایانه می‌باشد. به زندگی عشق می‌ورزند و در حفظ آن بسیار می‌کوشند. چنین افرادی آمادگی همراهی با سایر افراد در دیگر مراحل ایمانی و هر سنت آیینی و ایمانی دیگر را دارند.

افرادی که ویژگی‌های مرحله ششم در مورد آنها صادق است، به طور معمول خصیصه‌هایی از خود بروز می‌دهند که معیارهای مرسوم به «پهنجار بودن» که ما به آنها شناخت داریم را متزلزل می‌سازد. بی‌توجهی آنها به بقای خود و آشکار بودن میل و اشتیاق آنها برای به فعلیت رساندن واقعیت با هدف تبدیل شدن به امری متعالی از طریق اخلاق و دین، به گفتار و اعمال آنها وجهی فراطبیعی و غیرقابل پیش‌بینی بخشیده است. ادراکات سطحی ما پیرامون عدالت در میل وافر آنها به داشتن شفقتی جهان‌شمول و همه‌گیر به چشم نمی‌آید. فراست و بینش عمیق آنها در دغدغه‌های ذهنی همچون، بقا (حفظ زندگی)، امنیت و ارزش مدار بودن مخاطره‌ای جدی در مقابل معیارهای سنجیده ما برای درستی، خوبی و دوراندیشی (تدبیر) محسوب می‌شود. نگرش‌های مبسوط آنها درباره اجتماع جهانی، مجالی برای بحث پیرامون قوم یا قبیله و به اصطلاح گونه خاص انسانی باقی نمی‌گذارد. ابتکار عمل آنها در رهبری که اغلب مشتمل بر راهبردهایی پیرامون گذران زندگی بدون خشونت و احترام بسیار برای انسان و وجود می‌باشد، به تصورات رایج ما درباره امور مرتبط^۱ می‌تازد. به نظر برخی جای شگفتی است که افراد در مرحله ششم اغلب برای دیدگاه‌هایی که خودشان تجسم عینی آن بوده و آن را به فعلیت رسانده‌اند، جان خود را فدا می‌کنند.

فولر به این موضوع باور ندارد که افراد از پیش، خود را برای قرار گرفتن در مرحله ششم آماده می‌سازند. البته بیان این مسئله به معنای آن نیست که برخی از افراد که بعدها در انطباق با ویژگی‌های مرحله ششم قرار می‌گیرند، قصد نداشته‌اند که جزو قدیسون قرار گیرند. این افراد در تجسم عینی بخشیدن به ایمان جهان‌شمول از الگوهای التزام و رهبری تحت مشیت خداوند و مقتضیات تاریخی بهره می‌برند. چنان به نظر می‌رسد که آنها توسط آهنگری به نام تاریخ برگزیده شده‌اند، در آتش سختی‌ها و دشواری ذوب شده‌اند و در کوره پُر سوز و گداز کشمکش و نزاع آب‌دیده شده و سپس با چکش آن آهنگر به صورت‌های مفید و مؤثر تغییر شکل یافته‌اند.

در افرادی که از ویژگی‌های ایمان جهان‌شمول برخوردارند، خصیصه‌هایی همچون تحول‌آفرینی و ایجاد تغییر همراه با ارمغان‌رهایی و رستگاری، برگرفته از نوع نگرشی است که به واسطه آن به جهان می‌نگرند. نگرش آنان از جنس نگرش‌های انتزاعی نیست که همچون آرمان شهری از قابلیت موجود در نیروی تخیل معنوی انسان پدید آمده باشد، بلکه آنها دیدگاه‌هایی برخاسته از رفتارهای بسیار ژرف و متحول‌شده آنان در هم‌ذات‌پنداری با افراد و شرایط است، آنجا که آینده بشریت مخدوش شده، در مقابل آن موانعی سخت ایجاد شده و یا آنکه به تباهی کشانده شده است (همان، ص ۱۹۹-۲۱۰).

۴. ارزیابی و بیان نقاط قوت و ضعف دیدگاه فولر

۴-۱. نقاط قوت

به نظر بسیاری از موافقان فولر، مهم‌ترین نقطه قوت فولر در این مطلب نهفته است که اولاً، وی ایمان را در قالبی ساختاری و کارکردی تعریف می‌کند و از این جهت می‌تواند به عواملی در ساخته شدن ایمان اشاره کند که در همه سنت‌های دینی، و حتی از منظر برخی اشخاص یا گروه‌های دارای ایدئولوژی‌های سکولار، مشترک است و اختصاصی به آیین خاصی ندارد. ثانیاً، با تمرکز بر سطوح مختلف عملکردهای هیجانی، اخلاقی، و شناختی، ابزاری مناسب را برای نظم‌بخشی روان‌شناختی برای تعیین اهداف آموزشی و انطباق محتوای آموزشی با سطح رشد انسان و آماده کردن کودک برای آموزش ایمان ارائه می‌دهد؛ نظریه مرحله‌ای ایمان از طریق کمک به متناظرسازی قابلیت‌های هر مرحله - و عملکردهای ذهن و هیجان که مشخصه آنهاست - با شیوه‌های آموزش و با نمادها، اعمال و مضامین ایمانی، نقش خود را ایفا می‌کند. در واقع مریبان، نظریه رشد ایمانی را برای آماده‌سازی اشخاص برای تعلیم دادن ایمان در سطوح مرحله‌ای و سنین مختلف، راه‌گشا می‌بیند (همان).

نمونه فولر برای تعمیم در جامعه مسیحی و فرهنگی غربی مناسب به نظر می‌رسد: نمونه فولر مجموعه ۳۵۹ مصاحبه است که مشتمل بر هر دو جنس تقریباً در حد ۵۰ درصد است، پروتستان‌ها ۴۵٪، کاتولیک‌ها ۳۶/۵٪، یهودیان ۱۱/۲٪، و ارتدوکس‌ها ۳/۶٪ از مصاحبه‌شوندگان را تشکیل می‌دادند؛ ۳/۶٪ باقیمانده را نیز سایرین به خود اختصاص داده بودند.

فولر برخلاف سایر نظریه‌پردازان حوزه رشد دینی، همزمان تأثیر هفت عامل تحولی را بر رشد ایمان بررسی می‌کند. این مسئله گرچه بر پیچیدگی نظریه افزوده و فهم آن را مشکل می‌کند، ولی تصویر جامع‌تری از رشد ایمان ارائه کرده که نظر بسیاری از مریبان دینی مسیحی را به خود جلب کرده و آنها در بررسی رشد ایمان مسیحی از آن استفاده کرده‌اند.

۴-۲. نقاط ضعف

نقطه ضعف اساسی دیدگاه فولر از نظر بسیاری از منتقدان جدی، به تعریف وی از ایمان مربوط می‌شود. برخی به دلایل الهیاتی معتقدند: ایمان منحصر به فرد و مختص سنت دینی مسیحی یا سنت دینی خاص دیگری است. از نظر آنان ایمان کلی نبوده و جدای از مضامین و اعمال و سنت‌های خاص قابل تعریف نیست. برای نمونه، دایکسترا (دایکسترا، ۱۹۸۶ ب) استدلالی دقیق مطرح می‌کند که طی آن به تفکیک ساختار ایمان از جوهره، مضمون و اعمال ایمان مسیحی اعتراض دارد و اعتراض وی نیز به این مطلب برمی‌گردد که تفکیک ساختار ایمان از جوهره و مضمون آن، سبب نادیده گرفتن نیروی ساختاربخش جوهره و مضامین یک سنت ایمانی در تکوین ایمان می‌شود (فولر و دل، ۲۰۰۶، ص ۴۴).

مفهومی که فولر از «ایمان» ارائه می‌کند و نیز مرحله پنجم مراحل رشد دینی «ایمان عطفی» دقیقاً برگرفته از آموزه‌های مسیحی و متأثر از دیدگاه متکلمان معاصر است. مفهوم ایمان در دیدگاه فولر برگرفته از اندیشه تیلیخ درباره ایمان است. تیلیخ معتقد است: «ایمان به معنای فرجامین دلبستگی انسان است، من و شما به لحاظ وجودی به خیلی چیزها دلبستگی داریم، اما این دلبستگی‌ها چنان نیست که همه در عرض هم باشند، بلکه با هم نظام طولی می‌سازند. در این نظام طولی آنچه در رأس هرم است که آخرین دلبستگی ماست، آن متعلق ایمان است. تیلیخ و امثال او می‌گویند: اصلاً واقعیت واحدی در خارج نیست، ما به خدای بیرون کاری نداریم، بلکه هرکدام از ما خدایی داریم، دلبستگی فرجامین من خدای من است و به علاوه این خدا را هیچ وقت نباید در میان خدای رسمی دنبال گشت، خدایان چیزهایی از قبیل ثروت، علم، قدرت است» (ملکیان، جزوه کلام جدید، ایمان، ص ۹۱ و ۸۶). براساس این برداشت از ایمان، فولر ایمان را به نظام معنایی تفسیر می‌کند که براساس تعهد و التزام به فرجامین دلبستگی بنا می‌شود و اختصاص به ایمان مشخصاً دینی ندارد. ایمان شامل گونه‌های دینی و غیردینی است و مراحل ساخته شدن آنها یکسان است. مرحله پنجم از مراحل رشد دینی از دیدگاه فولر دقیقاً از باورهای پست مدرنیستی درباره ادیان است. فولر مرحله پنجم را این‌گونه توصیف می‌کند: در مرحله پنجم (ایمان عطفی، ۴۰ سالگی به بعد) فرد بزرگسال به تفکر دیالکتیکی دست یافته و درباره اعتبار دیدگاه‌ها و سنت‌های دینی مختلف قائل به پلورالیسم می‌شود. بزرگسال حقیقت را در این دیدگاه یا آن دیدگاه جست‌وجو نمی‌کند، بلکه نسبی تلقی می‌شود. هر دیدگاهی تا اندازه‌ای حقایق را به تورانداخته است. بزرگسال حقیقت را در پارادوکس تجربه می‌کند و آمیزه‌ای از متضادها را می‌آزماید و تفاوتی ندارد که این فرایند به شیوه‌های شخصی، طبقه اجتماعی قوی و یا به شیوه دینی انجام شود. در این مرحله، فرد دیدگاه خود را نسبی کرده و تحمل عقاید دیگران را دارد. فولر از یک سو با استوار ساختن مراحل ایمان بر بساخت‌گرایی پیازه‌ای، موضعی را پذیرفته که طبق آن ایمان از روند رشد تفکر منطقی پیروی می‌کند و از سویی دیگر، در جست‌وجوی صورت جامع‌تری از منطق نسبت به منطق برساخت‌گرایی پیازه‌ای برآمده است، که وی آن منطق را «منطق یقین» یا «استدلال عقلی ایمانی» می‌نامد. با این تفکیک، وی درصدد است تا نشان دهد که ایمان تنها از رشد تفکر منطقی پیروی نمی‌کند و عناصر دیگری که صورت جامع‌تری از منطق صوری را می‌سازد، مورد نیاز است تا بتوان مبنایی را برای مطالعه رشد ایمان فراهم کند. در واقع، فولر میان مطالبه تجربه‌گرایان ساختارگرا و دغدغه‌های فرااخلاقی و فراروان‌شناختی الهیات لیبرال پروتستان گرفتار شده و علی‌رغم اعتراف به اینکه مراحل ایمان از روند منطقی رشد طبق دیدگاه پیازه پیروی نمی‌کند و به منطقی جامع‌تر از منطق صوری نیازمند است، اما نمی‌تواند برای آن راه‌حلی پیدا کند و در نهایت مراحل رشد ایمان را براساس روند منطقی رشد - بر طبق دیدگاه پیازه - تبیین می‌کند (موسلی، ۱۹۹۲، نقل از: کورنیژوک، ۱۹۹۳).

نظریه فولر تصویری تک‌سویه، خطی و افزایشی از رشد ایمان ارائه می‌دهد که متضمن استمرار، ثبات نسبی و تغییر منظم ایمان در طول عمر است. این دیدگاه برای درک رشد ایمان در دوره کودکی و نوجوانی و نیز انتقال به بزرگسالی از ارزش ابتکاری فراوانی برخوردار است، اما این ارزش ابتکاری در میانه بزرگسالی و اواخر آن کمتر مشهود است؛ زیرا اولاً، در نیمه دوم عمر اثر سن و عوامل اثری بر رشد انسان کاسته می‌شود و در عوض اثر عوامل فرهنگی و اجتماعی بیشتر آشکار می‌شود. ثانیاً، داده‌های تجربی با فرض‌ها و پیشگویی‌های این دیدگاه تطبیق نمی‌کند. کلدن و فیتزجرالد در آزمون نظریه فولر نشان می‌دهند که مراحل فولر با رشد سنی تطابق ندارد (کلر و جرالده، ۲۰۰۲). ثالثاً، رشد ایمان همیشه افزایشی نیست و بازگشت به مراحل پایین‌تر در بزرگسالی نیز ممکن است. رابعاً، بالاترین مرحله بر فرض تحقق تنها در مورد اقلیت بسیار کوچکی از افرادی که از آنها پرسش شده، تحقق پیدا می‌کند.

یکی از نقاط ضعف نظریه فولر تمرکز افراطی وی بر تأثیر بُعد ساختاری ایمان و غفلت از تأثیر محتوای کتاب مقدس، اعمال عبادی، عبادات و نیایش‌ها بر رشد ایمان است. نیروی ساختاربخش و متحول‌کننده ایمان همان‌گونه که متأثر از رشد عوامل شناختی و هیجانی است از مضامین و محتوای کتاب مقدس و اعمال دینی نیز متأثر است، ارتباط با کتاب مقدس و مکان‌های مقدس و نیایش خود عامل مؤثری در رشد ساختاری ایمان است و پژوهش تجربی انجام شده توسط کلر و فیتزجرالد نیز این مطلب را اثبات می‌کند (همان).

برخی محققان معتقدند: نظریه فولر به فرهنگ‌های تحول یافته و غربی تخصص دارد و در فرهنگ‌هایی که به درونی‌سازی روی نیاورده‌اند، رخ نمی‌دهد. به نظر آنها، این مسئله چالشی جدی در برابر ادعای جهان‌شمول بودن نظریه فولر است؛ چالشی که خود فولر را چنان به فکر فرو برد که دیگر مدعی ویژگی جهان‌شمول بودن نظریه‌اش نشد (همان).

سوگیری در تعیین مراحل در دیدگاه فولر آشکار است. فولر در توضیح مرحله ششم اشاره می‌کند که مرحله ششم ایمان، بخش تجویزی و غیرتجربی نظریه وی است که از آغاز در نظر داشته و مراحل قبلی را - به منزله گام‌های متوالی - جهت رسیدن به آن لحاظ کرده است. به عبارت دیگر، وی یک پایان‌ایده‌آل و آرمانی و غیرتجربی را برای ایمان از ابتدا در نظر داشته و مراحل قبلی را چنان نظم بخشیده که در نهایت، به آن مرحله ایده‌آل رسیده است. اگر فولر مدل پلکانی رشد ایمان را که منتهی به حالت ایده‌آل رشد ایمان می‌شود، پیش فرض نمی‌گرفت و به جای آن مدل درختچه‌ای رشد ایمان را پیش فرض می‌گرفت، احتمالاً به نتایج دیگری دست پیدا می‌کرد. ویژگی مدل درختچه‌ای این است که در پایان، یک نقطه مطلوب و آرمانی نداریم و ممکن است نقطه‌های متعدد پایانی را در نظر بگیریم که یکی بر دیگری ترجیح ندارد.

۵. نتیجه‌گیری

در بین نظریه‌های رشد ایمان، نظریه فولر بیش از سایر نظریه‌ها مورد توجه قرار گرفته و تأثیر قابل توجهی بر جریان‌های پس از خود داشته است. علاوه بر این، برخی از محققان تلاش کرده‌اند تا با نقد دیدگاه فولر، نظریه‌های جایگزین نظریه وی - که دارای نقطه ضعف‌های کمتری نسبت به نظریه فولر است - ارائه کنند. چارچوب نظری که فولر برای مراحل ساخته شدن ایمان در طول زندگی فراهم آورده به طور قطع در هیچ نظریه دیگری دیده نمی‌شود. در این چارچوب اولاً، ایمان از منظری هستی‌شناسانه و از زوایای مختلف مطالعه و در نتیجه، تصویری نسبتاً جامع از ایمان ارائه شده است. ثانیاً رابطه ایمان و نظریه‌های روان‌شناسی رشد ایمان و اینکه چگونه می‌توان از این نظریه‌ها برای مطالعه رشد ایمان استفاده کرد، تبیین شده است. ثالثاً به طور همزمان تأثیر هفت عامل مؤثر بر شکل‌گیری ایمان مورد مطالعه قرار می‌گیرد و در نهایت، تصویری از ساخته شدن ایمان بر مبنای چارچوب فراهم شده، ارائه می‌شود که تا قبل از آن سابقه نداشته و به طور یقین برای کسانی که کانون تمرکز آنها در تبیین رشد ایمان تنها بر تحول در بُعد محتوایی آن استوار است، جذاب و از ارزش ابتکاری فراوان برخوردار است. در عین حال، ارائه تصویری تک‌سویه، خطی و افزایشی از رشد ایمان، تمرکز افراطی وی بر تأثیر بُعد ساختاری ایمان و غفلت از تأثیر محتوای کتاب مقدس، اعمال عبادی، عبادات و نیایش‌ها بر رشد ایمان و اختصاص برخی مراحل به فرهنگ‌های تحول یافته و غربی از نقاط ضعف نظریه محسوب می‌شود.

منابع

- حیدری، مجتبی (۱۳۹۵)، بررسی تجربی ایمان به خدا در گستره سنی ۷ تا ۱۷ سالگی، رساله دکتری، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله علیه.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۶۴)، تفسیر المیزان، قم: اسماعیلیان.
- ملکیان، مصطفی، جزوه کلام جدید منتشر نشده، ایمان، ص ۹۱ و ۸۶.
- نوذری، محمود (۱۳۸۹)، بررسی تحول ایمان به خدا در دوره کودکی، نوجوانی و آغاز جوانی: رویکردی روان‌شناختی - دینی، پایان‌نامه دکتری، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

Clore, V, & Fitzgerald, J, (2002), An Alternative view of faith Development, Journal of adult Development, V. 9, No. 2, p97-107

Dykstra, C, (1986a), What is faith? An experiment in the hypothetical mode, In C. Dykstra & S. D. Parks (Eds), Faith development and Fowler (p. 45-64). Birmingham, AL: Religious Education Press.

Dykstra, C, (1986b), Faith development and religious education. In C. Dykstra & S. D. Parks

(Eds), Faith development and Fowler (p. 251–271). Birmingham, AL: Religious Education Press.

Flower, James W, & Dell, M. L, (2006), Stages of Faith from Infancy through Adolescence: Reflections on Three Decades of Faith Development Theory, Thousand Oaks, CA, US: Sage Publications.

Fowler, James W, (1981), Stages of faith: The psychology of human development and the quest for meaning, San Francisco: Harper & Row.

Moseley, R. M, (1992), Forms of logic in faith development theory, In J. Astley & L. J. Francis (Eds.), Christian perspective on faith development: A reader (p. 163–172). Grand Rapids, MI: William B. Eerdmans.

Selman, R. L, (1974), The developmental conceptions of interpersonal relations, Boston: Harvard–Judge Baker Social Reasoning Project.